

موسیقی کلاسیکی ایرانی

آرین صداقت کیش



آروین صداقت کیش
موسیقی کلاسیک ایرانی

کتاب آمایی: بی‌گاه
ویراستار: نیما جمالی
چاپ یکم: ۱۴۰۴
شمارگان: ۶۶۰ نسخه
لیتوگرافی: باختر
چاپ: لوح آیین
صحافی: نگاه
قیمت: ۲۷۵,۰۰۰ تومان

همه‌ی حقوق تکثیر و نشر این اثر به هر شکل و شیوه‌ای اعم از چاپی، الکترونیکی و صوتی در هر رسانه و هر پلاتفرمی محفوظ و مخصوص نشر بی‌گاه است. اقتباس از این اثر برای تولید و انتشار آثار خواننداری، شنیداری، دیداری و چندرسانه‌ای با موافقت قبلی و مکتوب نشر بی‌گاه ممکن است.

- سرشناسه: صداقت کیش، آروین، ۱۳۵۳ - عنوان و نام پدیدآور: موسیقی کلاسیک ایرانی / آروین صداقت کیش.
- مشخصات نشر: تهران: نشر بی‌گاه، ۱۴۰۴. • مشخصات ظاهری: ۱۷۵ ص. • شابک: 978-622-87635-2-1
- یادداشت: کتاب‌نامه: ص. [۱۷۱]-۱۷۵. • موضوع: موسیقی کلاسیک - ایران • Classical music - Iran
- موسیقی -- ایران -- تاریخ و نقد • Music -- Iran -- History and criticism • رده‌بندی کنگره: MT۱۹۲
- رده‌بندی دیویی: ۷۸۶/۵ • شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۰۰۱۱۵۹۰

ای‌میل: nashrebigaah@gmail.com
اینستاگرام: @nashrebigaah

فهرست مطالب

۷	مقدمه
	۱. سبب، اصیل یا کلاسیک
۱۱	موسیقی کلاسیک ایرانی یعنی چه؟
	۲. جایگاه اجرای موسیقی
۲۵	موسیقی کلاسیک ایرانی کجا اجرا می شود؟
	۳. جایگاه موسیقی دان
۳۵	موسیقی دانان کلاسیک ایرانی چه وضعیت اجتماعی و اقتصادی ای داشته اند یا دارند؟
	۴. کارگان
۴۹	چه چیزی در موسیقی کلاسیک ایرانی اجرا می شود؟
	۵. ارتباط با دیگران
۷۹	موسیقی کلاسیک ایرانی با گونه های دیگر موسیقی چه ربطی دارد؟
	۶. آموزش
۸۹	موسیقی کلاسیک ایرانی چگونه تعلیم داده می شود؟
	۷. تاریخ بسیار مختصر
۹۷	موسیقی کلاسیک ایرانی چه سرگذشتی داشته است؟
	۸. زیبایی شناسی
۱۴۹	چه چیزی در موسیقی کلاسیک ایرانی بر دریافت کننده اثر می گذارد و چگونه؟
	۹. حال و آینده
۱۵۷	وضع موسیقی کلاسیک ایرانی چگونه است و چه خواهد شد؟
۱۶۷	ضمیمه آثار مرجع
۱۷۱	منابع

۱ سنتی، اصیل یا کلاسیک موسیقی کلاسیک ایرانی یعنی چه؟

سرگذشت مختصر یک اصطلاح

اصطلاح «موسیقی کلاسیک ایرانی» اصطلاحی است برای متمایز کردن یک نوع موسیقی از دیگر انواع. اما این چه نوع موسیقی است و چه فرقی با انواع دیگر دارد؟ برای آن که جواب این سؤال را بدانیم باید اول ببینیم چه کسانی آن را به کار می‌برند و در چه موقعیت‌هایی. این اصطلاح را که در سال‌های اخیر بیش‌تر و بیش‌تر به گوش می‌خورد اغلب از زبان موسیقی‌شناس‌ها و متخصص‌های دانشگاهی موسیقی می‌شنویم. از نوشته‌های دانشگاهی که بگذریم، تاحدودی هم در نوشته‌های روزنامه‌نگارها و روزمره‌نویس‌های اینترنتی و حتی در تقسیم‌بندی‌های فروشگاه‌های آثار صوتی و تصویری به کاربرد چنین اصطلاحی برمی‌خوریم. همه‌ی این‌ها نشان می‌دهند که از اصطلاحی صحبت می‌کنیم که کاربردش در زبان ما دارد فراگیر می‌شود. علت‌اش هم روشن است: همان دانش‌آموخته‌های دانشگاهی که امروزه تعدادشان کم هم نیست، به کار آموزش خصوصی موسیقی مشغول‌اند و طبیعتاً اصطلاحاتی را که در دانشگاه آموخته‌اند به بقیه‌ی مردم منتقل می‌کنند. نویسندگان و روزنامه‌نگارها هم یا از بین همین‌ها انتخاب می‌شوند یا تحت تأثیر متن‌ها و سخنرانی‌های دانشگاهی این اصطلاح را می‌آموزند و بازگو می‌کنند.

با این حال، کاربرد این اصطلاح هنوز همگانی نشده و در خود جامعه‌ی موسیقی هم موافقان و مخالفانی دارد. اگر بخواهیم ببینیم امروزه چقدر این اصطلاح در زبان عموم کاربرد دارد می‌توانیم یک اثر از این نوع موسیقی را انتخاب کنیم و از مردم

آموزش دیده و ندیده پیرسیم این چه موسیقی‌ای است. مثلاً آلبوم یی‌داد با آواز محمدرضا شجریان و آهنگ‌سازی پرویز مشکاتیان یا یک برنامه از سلسله برنامه‌های گلها با آواز اکبر گلپایگانی و نی حسن کسایی را انتخاب و برای مردم پخش کنیم و همین سؤال را از ایشان پیرسیم. یا از کسی که عاشق موسیقی این خواننده‌ها است پیرسیم چه نوع موسیقی‌ای گوش می‌کنی؟ همان‌طور که می‌توانیم حدس بزنیم، اگر طرف مقابل آموزش موسیقی ندیده باشد و با اصطلاحات دانشگاهی آشنا نباشد جواب می‌شنویم: «سنتی». اگر کمی سن و سال دارتر باشد ممکن است جواب بشنویم: «موسیقی اصیل».

ما امروزه تقریباً به همان چیزی می‌گوییم «موسیقی کلاسیک ایرانی» که در گذشته «موسیقی اصیل» یا «موسیقی سنتی» خوانده می‌شد. این اصطلاح «موسیقی کلاسیک ایرانی» را اصلاً موسیقی‌شناس‌ها در زبان فارسی باب کردند. هرچند دقیقاً نمی‌شود مطمئن بود، اما احتمالاً اولین بار در دهه‌ی ۱۳۳۰ شمسی موسیقی‌شناس‌هایی مثل زاون هاکوپیان و هرمز فرهت در مجله‌های موسیقی آن زمان برای اشاره به یک نوع موسیقی که در ایران رواج داشت آن را به کار بردند. درست است که به ندرت در جاهایی مثل دست‌نوشته‌های فرامرز پایور از همان دوران به ترکیب‌هایی مثل «موسیقی کلاسیک قدیم ایران» برمی‌خوریم، اما این اصطلاح حتی بین موسیقی‌دانان وقت چندان رایج نشد. یکی از دلایل‌اش این بود که در آن دوره‌ها از نظر بیش‌تر موسیقی‌دان‌ها اصطلاح‌های دیگر این موسیقی را بهتر توصیف می‌کردند و از طرفی هم «کلاسیک» از نظر آن‌ها همان موسیقی کلاسیک غربی بود نه موسیقی دیگری.

اگر در تاریخ به عقب برویم، مثلاً به دوره‌ی قاجار، می‌بینیم که از هیچ‌کدام از این اصطلاحات برای نامیدن موسیقی استفاده نمی‌شده است. وقتی ناصرالدین‌شاه به فرنگ رفت و با موسیقی اروپایی برخورد کرد برای فرق گذاشتن بین آن موسیقی و موسیقی‌ای که همیشه به آن گوش می‌داد می‌گفت: «موسیقی خودمان». یا فرصت‌الدوله شیرازی در اواخر دوره‌ی قاجار در کتاب بحورالانحان‌اش در برابر «آوازهای فرنگستان» می‌گوید: «الحان خودمان». کم‌وبیش و با توجه به شناختی که از اوضاع موسیقی زمانه‌ی هر دو نفر داریم، می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که آن‌ها به یک نوع موسیقی اشاره می‌کرده‌اند.

کمی بعد، باز هم برای جدا کردن موسیقی ای که خودمان داشتیم، و از دید یک نفر ایرانی که فقط همین موسیقی را می شناخت و نمی خواست آن را با موسیقی دیگری مقایسه کند، اصطلاح «موسیقی ملی» به کار رفت. یکی از معنی هایش یک نوع موسیقی است که با هویت ملی ما پیوند خورده است. کسانی که این اصطلاح را اختراع کردند پر بیراه هم نمی گفتند. هنوز هم که هنوز است اگر در دیار غربت این نوع موسیقی را تصادفاً در جایی بشنویم به یاد ایرانی بودن خود می افتیم. یا اگر بر حسب اتفاق بشنویم کسی دارد در یکی از پیاده روهای وین مرغ سحر را زمزمه می کند، حتی اگر فقط آهنگ آن را بدون شعرش بخواند حدس می زنیم باید هم وطن مان باشد.

بعد از این دوره، با آمدن رادیو و عالم گیر شدن آن و اقبال چشمگیر مردم به موسیقی ای که از آن پخش می شد، اصطلاح «موسیقی اصیل» سر زبان ها افتاد. این صفت را هم نمی شود گفت از زبان و قلم چه کسی و کی اولین بار به منظومه ی اصطلاحات موسیقی ما راه پیدا کرد. اما می شود به سادگی دید که به عنوان صفت مثبت و ارزش مند بود. به همین دلیل، جامعه ی موسیقی و مخاطبان اش با آغوش باز آن را پذیرفتند. این جنبه ی مثبت را نورعلی برومند، از استادان تأثیرگذار در قرن گذشته، در یک سخنرانی این طور توصیف می کند: «موسیقی اصیل به یک موسیقی گفته می شود که مانند هر چیز اصیل دارای صفات بسیار ممتاز است. ببخشید، وقتی از یک اسب اصیل صحبت می کنیم، یعنی اسبی است که پدرش و جدش و همه معلوم باشد و دارای صفات ممتاز. موسیقی ایرانی هم همین طور».

تقریباً هم زمان با فراگیر شدن اصطلاح «اصیل» یا کمی بعد از آن، واژه ی «سنتی» برای توصیف همان موسیقی مطرح شد. این واژه را به احتمال زیاد از ترجمه ی «ترادسیون» فرانسه برداشته بودند. آن ها همان نوع موسیقی را یک سنت می دانستند. از نظرشان آن موسیقی از یک سنت دنباله دار می آمد که در ایران ریشه داشت و در برابر موسیقی های دیگری قرار می گرفت که از جاهای دیگر آمده یا جدید بودند. شاید تاحدودی به همان معنی که مثلاً در ترکیب غذای سنتی ایرانی یا لباس سنتی به کار می بریم و منظورمان چیزی است که ما خودمان از قبل داشته ایم و از جایی وارد نشده است. مثلاً برای ما خورشید قرمه سبزی یک غذای سنتی است اما ماکارونی نه. آن غذای سنتی تا یادمان می آید در ایران درست می شده و با ذائقه ی مردم جور بوده

موسیقی کلاسیک ایرانی که قبلاً موسیقی اصیل یا موسیقی سنتی نیز نامیده شده است هر روز در هر کوی و برزن تارهای جان را می‌نوازد و زندگی‌مان را با حضور خود رنگ‌آمیزی می‌کند و لذت می‌بخشد. اگر بخواهیم آگاهانه‌تر با این موسیقی مواجه شویم و لذت ما عمق بیش‌تری پیدا کند، باید با فرهنگ موسیقایی ایران آشنا تر شویم. این کتاب می‌خواهد چشم‌اندازهایی از این فرهنگ موسیقایی را به غیرمتخصصان بشناساند. هر یک از فصل‌های نه‌گانه‌ی کتاب پاسخی است به یک پرسش کلی درباره‌ی معنای موسیقی کلاسیک ایرانی، ویژگی‌ها، محل اجرا، وضعیت اجتماعی و اقتصادی موسیقی‌دانان، آموزش آن، تاریخچه‌ی این موسیقی و ... نویسندگان با زبانی ساده و جوه گوناگون این موسیقی را شرح می‌دهد و کاری می‌کند تا پس از خواندن کتاب به چشم دیگری به موسیقی کلاسیک ایرانی بنگریم.

بِی‌گَاه



9 786228 763521